

رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها

علی شکوری*

این مطالعه ماهیت رفتارهای حمایتی، عوامل و انگیزه‌ها و همچنین جهت آنها را با استفاده از روش میدانی در شش استان کشور مورد بررسی قرار می‌دهد. فرض شده که این رفتارها تحت تاثیر پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی است و تفاوت‌های شناختی، شخصیتی و مادی (اقتصادی) به همراه محیط‌های اجتماعی از قبیل نهادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز آنها موثر است. این مقاله نتیجه می‌گیرد که متغیرهایی چون "آگاهی و اطمینان از مشکلات مردم و شرایط فقر و نیازمندی جامعه"، "اعتقاد به موثر بودن کمک‌ها در رفع مشکلات دیگران" و "عدم وجود جایگزین دیگر به جز کمک خود پاسخگویان"، "باور به عدم (توان) سازمان‌های حمایتی فعال در امور حمایتی برای رفع نیازمندی" و "توان عینی (اقتصادی) پاسخگویان برای کمک" و همچنین "موقعیت‌ها و وضعیت‌های محرک احساسات و عواطف" بیشترین

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
>Shakoori@ac.ut.ir<

تأثير را در بروز رفتارهاي حمايتي جامع ة آمري مورد مطالعه دارند. در عوض، متغيرهاي فردي چون جنس، تأهل و سن در رفتارهاي حمايتي پاسخگويان تأثير زياد و تعيين کننده اي ندارند. رفتارهاي مورد بررسي، داراي ماهيتي ارادي و داوطلبانه هستند که با انگيزه هاي نوع دوستانه با خصايش ايثارگرانه و خالصانه رخ مي دهند و در مناطق توسعه يافته تر گرايش به عام گرایی، يعني با انگيزه کمک به انسان به صورت صادقانه و به مفهوم عام کلمه (نه انسان هم کيش، خویشاوند و هم قوم و امثالهم) صورت مي گيرد.

کلید واژه ها: حمايت، دگرخواهي، عام گرایی، کنش مشارکتي،
نوع دوستي

تاريخ دريافت مقاله: 83/11/5
تاريخ پذيرش مقاله: 84/5/15

مقدمه

هدف اين مقاله بررسي رفتار هاي حمايتي، عوامل و انگيزه ها و همچنين جهت آنها است. اين نوع رفتارها در قالب کنش هاي مشارکتي دگرخواهانه افراد مطرح مي شود که بخش عمده اي از آنها در اعمال نوع دوستانه از قبيل کمک به مستمندان و حمايت از ديگران نيازمند، نمود عيني پيدا مي کند.

به طورکلي بررسي کنش هاي دگرخواهانه افراد،

یکی از موضوعات عمده ای بوده که توجه صاحبانظران علوم اجتماعی، سی استگذاران و برنامه ریزان را به خود مشغول داشته است. این عنایت از چند بعد مهم بوده است.

نخست، ارزش بالنفسه این نوع تعاملات انسانی و به ویژه اثراتی است که آنها بر مناسبات ارزشمند انسانی بر جای می گذارند. از آنجا که رفتارهای نوع دوستانه، مناسبات تعاونی ا صیل را در جامعه گسترش می دهند، از این رو شرایط عینی را برای افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی فراهم می نمایند. گفته می شود که به هر اندازه روابط همیاری و امداد رسانی داوطلبانه در زمینه های مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی)، معرفتی (راهنمایی مشاوره و آموزه های اجتماعی و مذهبی) و منزلتی (اعادة عزت نفس انسانی) بالا باشد به همان میزان، نابرابری اجتماعی و عزلت گزینی و سایر اختلالات اجتماعی کاهش می یابد. (چلبی، 1375)

دوم، به دلیل کارکردها و الزاماتی که کنش های مشارکتی از جمله رفتارهای حمایتی برای ایجاد و دوام نظم اجتماعی در پی دارند. به زعم برخی علمای اجتماعی از جمله الستر (1990)، از آنجا که ایجاد این نوع رفتارها در سطح خرد نظام اجتماعی، مستلزم حداقل همفکری، درک مشترک، همدلی متقابل،

احساس تعلق مشترك و ارزشيابي مشترك است، که ریشه در نفع مشترك و نيازهاي عام انساني داشته و تا مین این نيازها نیز تنها با تشریک مساعي بین کنشگران میسر است، لذا بروز آنها عملاً به تولید مازاد تعاوني (Cooperative Surplus) می‌انجامند، مازادي که در صورت ایجاد و توسعه آن سبب تقویت اعتماد، انسجام و نظم اجتماعي می‌شود. (چلبی، 1375: 20-21) در سطح کلان نظام اجتماعي نیز، از آن جا که رفتارهاي حمايتي نوعي تعامل با (و یا برای) دیگران را مطرح می‌کند، اسباب تعریض حوزه اخلاقي، تعمیم وابستگی عاطفي افراد و تعمیم تعهد دروني افراد به دیگران را فراهم می‌کند و امکان ادخال اجتماعي را، که برای انسجام اجتماعي ضروري است، تسهیل می‌کند. این موضوع، به ویژه برای جوامع معاصري که فرآیند تفکیک‌پذیری (Differentiation) را طی کرده‌اند، اهمیت خاص پیدا می‌کند. در واقع، نظم اجتماعي معاصر بیش از همه نیازمند مناسبات عاطفي بسط یافته‌ای است که بر تعهد تعمیم یافته و عام‌گرایی مبتنی باشد. به دلیل این که روابط عاطفي دارای بعد اظهاري و حامل ارزش دروني و دارای خصلت پیوند دهندگی است، از این رو، سنگ بنا و عامل بقاء اجتماع و یا گروه اجتماعي است. (همان)

سوم، رفتارهاي حمايتي، ویژگی عام تمام جوامع

در طول تاریخ اعم از سنتی و جدید بوده، و وجود نهادهای خیریه‌ای و تکامل آنها چه در سطح ملی و چه بین‌المللی گویای این حقیقت است، ولی نکته حائز اهمیت این‌که، میزان مشارکت امور حمایتی بر حسب افراد، گروه‌های مختلف و جوامع گوناگون نیز متفاوت است و این امور به یکسان افراد را متوجه خود نمی‌سازد. نکته مهم‌تر این‌که، همزمان با تحولات جوامع از شکل سنتی به مدرن، گرایش‌های مربوط به رفتارهای نوع‌دوستانه افراد نیز تغییر کرده است و در مواقعی حتی جوامع با فقدان علاقه و بی‌میلی تعداد قابل توجهی از آنها به امور اجتماعی و روندهای آن مواجه بوده‌اند. جامعه ما به دلیل ویژگی‌های خاص (مذهبی، شعائری، ملی، ارزشی و غیره) دارای پتانسیل بیشتری در زمینه همیاری و کمک به هم‌نوع بوده که به صورت سازمان‌یافته یا نیمه سازمان‌یافته و گاه در قالب تشکلهای محلی، ملی، مذهبی (مستقل از نظام رسمی مانند کمک‌های دولت و سازمان‌های بین‌المللی) در حمایت از هم‌نوعان نقش ایفا کرده‌اند، ولی بررسی‌ها و اذعانات مسئولان و دست‌اندرکاران امور حمایتی نشان می‌دهد که، اولاً کنش‌های حمایتی از یک روند منظمی پیروی نکرده‌اند؛ ثانیاً، هنوز تا بهره‌گیری مطلوب و بهینه از ظرفیت‌های حمایتی موجود در جامعه،

فاصله وجود دارد. (شكوري، 1382؛ كمپته امداد امام، 1382) به علاوه، علي رغم اهميت كمك به هم‌نوع و سابقه طولاني اين نوع كنش‌ها در جوامع مختلف از جمله جامعه ما، كمتر به صورت تجربي اين رفتارها و عوامل و انگيزه هاي موثر در آنها مورد كاوش قرار گرفته است. اين نوشته تلاشي است براي بررسي اين موضوعات. به عبارتي، ما در اين بررسي به دنبال آن ايم كه دريابيم اين رفتارها داراي چه ماهيت و جهت گيري‌اي مي‌باشند؟ و متاثر از چه عوامل و انگيزه‌هايي هستند؟

به طوركلي، مباحث در سه بخش ارائه مي‌شود. در بخش نخست، مباحث نظري كه موضوع مورد مطالعه را از زواياي مختلف تبين كرد ه‌اند، مرور مي‌شود و پاسخ‌هاي نظري در مورد ماهيت رفتارهاي حمايتي ارائه و ارزيابي مي‌شود؛ در بخش دوم، به روش شناسي پرداخته مي‌شود؛ در بخش سوم، نتايج بررسي ميداني مورد بحث قرار مي‌گيرد؛ و در بخش آخر، مباحث جمع‌بندي مي‌شود.

1) ملاحظات نظري

تعابير مختلفی در ارتباط با طبيعت رفتارهاي افراد در خصوص اقدامات خيرخواهانه هست. برخي تعابير، به آنها به عنوان انگيزه و حالي ذهني نگرسته‌اند و برخي ديگر، به آنها به عنوان تظاهرات رفتاري نگاه کرده‌اند و آنها را يك

پیامد ذهنی کسب شده تعبیر نموده‌اند. این تعبیر دوگانه، نقطه آغازین تفاوت تمایز روش‌شناختی بین طرفداران اصالت فرد و طرفداران اصالت جمع می‌باشد که در تبیین رفتارهای افراد، طیفی را تشکیل می‌دهند که در یک سو، تأکید بر جنبه‌های فردی و شخصیتی (زیستی، روان‌شناختی) و در سوی دیگر، تأکید به جنبه‌های فرافردي (جامعه‌شناختی) قرار دارند.

بر اساس رویکرد رفتاری، دگرخواهی صرفاً به عقاید واقعی ارائه‌کنندگان کمک توجه می‌کند. از این منظر، کنش خیرخواهانه بر اساس پیامد‌های سنجیده می‌شود. اگر نتایج بتواند تا حدی نیازهای دیگران را برآورده کند یا به آنها کمک کند تا چیزهایی دیگر را به دست آورند، این به عنوان دگرخواهی انسان‌گرایانه تلقی می‌شود. برخی بر این باورند نوع دوستی عنصر فداکاری را در کنه خود دارد، اما واضح است در رفتار کمک‌رسانی به دیگران بیش از عنصر فداکاری، خود مسئولیتی و دغدغه خاطر برای دیگران مطرح می‌شود این عناصر هنجارهای اجتماعی را در جامعه منعکس می‌سازند و فرض بر این است که این نوع رفتارها برای ارتباط و پیوند ضروری می‌باشد. (Page, 1996:11)

برخی از علما به ویژگی ذاتی و فطری بودن نوع دوستی تأکید دارند که در طی فرآیند رشد

افراد، روند تکاملي خود را طي کرده است. انسان در اجتماع و در زندگي اجتماعي شانس بيشتري براي ادامه حيات پيدا مي کند؛ يعني همکاري و مشارکت با يکديگر به افراد اجتماع بخت بهتري براي بقاء به دست مي دهد (Campell, 1988). نکته اتکاء هواداران اين نظريه، اعمال نوع دوستي کودکان در دو سال اول زندگي خود مانند غذا دادن به ديگران و امثالهم مي باشد که در طي زندگي تکامل مي يابد. در مقابل فطري گرايان، عده اي بر خصلت اکتسابي نوع دوستي از طريق مشاهده اعمال نوع دوستانه و امدادگران ديگران اشاره مي کنند (Ferrier, 1970). تقليد رفتار والدين خصوصا رفتارهاي اهداء کمک به نيازمندان و يا تشويق کودکان در هنگام کمک به والدين، در وهله نخست نقش مهمي در تکرار رفتار کمک رسانی افراد در بزرگسالي دارد. در اين بين، برخي نيز اظهار داشتند اين نوع رفتارها ذاتي است ولي يادگيري در ميزان آنها تأثير بسزايي دارد.

در کنار نظريات فوق، نظريات "بيولوژيکي" و "بيولوژيکي - اجتماعي" قرار دارند. بر اساس نظريه بيولوژيکي، اساس هستي بر بقاء ژن ها استوار است. اين ژن ها هستند که ما را به سوي شرايطي از جمله رفتارهاي انسان دوستانه هدايت مي کنند که در آن شرايط بيشتري شانس را براي

بقاء در جهان داریم . آنها مردم را برای ادامه حیات آماده می‌سازند تا درست عمل کنند و توانمند باشند و در صورتی که ضعیف باشند از حرکت باز می‌ایستند (Myers, 1988). قابل ذکر است هرگز مکانیزم و یا مکانیزم‌هایی که باعث می‌شود ژن‌ها عامل بروز رفتارهای نوع‌دوستی بشوند مشخص نشده است. با این حال ژن‌ها در بروز ویژگی‌های تمام افراد یک خانواده، یا فامیل مهم اند و هر یک از آنها به نوعی از نظر ژنی مشابه هستند. ارتباط ژنتیک یکی از عواملی است که سبب می‌شود خویشاوندان از هم حمایت کنند. مکمل این نظریه ژنتیک، نظریه زیستی - اجتماعی است که به عوامل اجتماعی نیز در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه بهاء می‌دهد. مطابق این نظریه افراد مشابه به لحاظ زیستی - اجتماعی دارای رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتری به یکدیگر خواهند بود. ابتدا به افراد خانواده و سپس به دوستان و نزدیکان دیگر کمک می‌شود. اساساً در این نظریه نفع متقابل را می‌توان مطرح کرد که در خویشاوندان و نزدیکان، احتمال کمک اعضاء به یکدیگر بیشتر است. هرچند دیدگاه‌های بیولوژیکی یا زیستی - بیولوژیکی در امداد رسانی جایگاه مهمی را دارا هستند (Campell, 1988)، ولی قادر به تبیین جامع رفتارهای کمک‌رسانی نیستند. برای اینکه متغیرهای دیگری هستند که نقش بسزایی در

كمك متقابل ايفاء مي کنند كه قابل تأويل به مسایل ژنتيكي نيستند، مانند قوانين اخلاقي، مذهب و دين مشترك، و غيره . به علاوه، لزوما افراد به هم ژنها و اقوام كمك نميکنند.

به زعم تئوري پردازان مكتب مبادله ، بسياري از رفتارهاي انساني از جمله اعمال خيرخواهانه در چارچوب مبادلات انساني قابل تبیین هستند . همان طوري كه در روابط بين انسان ها ماديّات رد و بدل ميشوند فرآيندهايي نظير دوستيها و علايق اجتماعي نيز با يكديگر مبادله مي شوند (Myers, 1988). اين تئوري پردازان با توجه به چارچوب تئوريكي اين مكتب، به كسب بيشتر پاداش (Reward) در مقابل كمترين هزينه (Cost) اشاره ميکنند و معتقدند كه انسانها سعي مي کنند در مناسبات خود پاداش بيشتري يعني بيش از آنچه هديه ميکنند را به دست آورند. در واقع، چنين انگيزه اي آنها را بسوي كمك به ديگران سوق مي دهد. برخي از علماي اجتماعي مبادلات مذکور را در چارچوب مبادله نامتقارن و مبادله متقارن گرم مورد بحث قرار مي دهند. مبادله نامتقارن، انتشاري و عاطفي است. در اين مبادله طرفين نسبت به يكديگر احساس مثبت دارند. ايثار، ياري دگرخواهانه، بخشش يا به تعبيري "هديه" ناب از مظاهر برجسته اين نوع مبادله محسوب ميشوند كه در آنها، غالبا انتظار

جبران یا برگشت از طرف مقابل وجود ندارد. برگشت تنها از نوع نفع جانشینی و یا رضایت جانشینی است که در مقولات ایثار و فداکاری تبلور می یابد و در گروه های اولیه (دوستی، همسایگی و خانواده) یا جوامع نسبتاً مساوات طلب که تمایزپذیری اجتماعی و اقتصادی را تجربه نکرده اند قابل مشاهده است (چلبی، 1375: 128). در مبادله متقارن گرم، رفاه و نفع طرفین مورد توجه طرفین است. طرفین به سعادت و رفاه حال یکدیگر علاقه دارند (همان). منشأ این احترام متقابل و توجه به حال دیگری و یا یکدیگر در همفکری، همدلی و اعتماد، انگیزه های نوع دوستی صادقانه و حقیقی است (Baron, 1987). این نوع مبادله را بیشتر در جوامع تفکیک یافته مدرن معاصر می توان ملاحظه نمود. تفکیک های دو گانه نقطه عزیمتی برای تحلیل های جامعه شناختی رفتار دگرخواهانه است. این تحلیل ها سعی کردند برخی از خلاء های موجود در تحلیل های بیولوژیکی، روان شناسی و روان شناسی اجتماعی را از طریق طرح مفاهیمی چون هنجارهای اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، هویت جمعی، ارزش های اجتماعی، مسئولیت شهروندی و... پرکنند. به نظر مایرز (1960)، همه اجزاء کلی رمزهای اخلاقی (Moral Codes) ریشه در هنجارهای متقابل دارد. این هنجارها کلی و عام هستند و همه آن را

ميپذيرند. با توجه به اين دیدگاه كمك رساني به هم‌نوع يك هنجار اجتماعي است و افراد بر اساس قرار داد اجتماعي به همديگر كمك مي‌كنند (Myers, 1988). هنجارهاي مسئوليت اجتماعي در خصوص كمك‌رسانی غالباً با اين موضوع مرتبط است كه موقعيت نامساعد، ناشي از شرايط يا عواملی است كه خارج از كنترل و اختيار مددجو است و افراد نیازمند، بر اساس آگاهی و شناخت باعث بروز مشكلات نشده‌اند. (Monroe, 1991)

برخي تحليل‌هاي جامعه‌شناختي به اهداف وسيع‌تر و انتزاعي‌تر اشاره مي‌كنند. براساس آنها، كمك‌رسانی و رفتار نوع‌دوستانه يك ارزش نمادين تلقي ميشود و از آنجا كه نوع دوستي به‌عنوان منبعي براي اتكاء مردم در جامعه ب ه‌شمار مي‌رود بالنفسه يك ارزش اجتماعي است. ارزش‌هاي نيكوخواهانه بنیان‌هاي رفتاري را شكل مي‌دهند كه دوستي و الفت را میان شهروندان تقويت مي‌كند. شهروند به نوبه خود، مسئوليت اخلاقي احساس مي‌كند و متعهد به ارتقاء خير مشترك (همگاني) است، بدین ترتیب كل روابط اجتماعي را تحت‌تأثیر قرار مي‌دهد (Miller, 1992: 26). این نوع دوستي‌ها بُعد عاطفي مورد نیاز را براي تشكيل هويت‌هاي جمعي تقويت مي‌كند كه به نوبه خود زمينه گسترش رفتارهاي انسان‌گرایانه ميشود كه مبتني بر منافع عام و نه مبتني بر تشكلهای درون گروهی (از

قبیل خویشاوندی، قومی) است (Zokaie, 1999: 18-20). این تفاسیر رفتارهای نیکو خواهانه را با مفهوم شهروندی (Citizenship) و سرمایه اجتماعی (Social Capital) مرتبط می‌کند. بر اساس نظریه شهروندی رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند، بلکه از عضویت در اجتماع وسیع‌تر آگاهند. جامعه نوین مرکز تعاملات روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. در عین حال نوع‌دوستی، شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضاء سوق می‌دهد و رفتار دگردوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می‌کند و آنها را به عنوان اعضای انتزاعی جامعه تغییر می‌دهد که فراتر از وابستگیان نزدیک است. از آنجا که اعمال نوع‌دوستانه آدم‌ها در ارتباط با دیگران و برای آنان رخ می‌دهد نوعی کنش مشارکتی است که لزوماً نه تحت‌تاثیر جبرهای زیستی است و نه اجتماعی، و نه بدون هدف و اراده و آگاهی افراد صورت می‌گیرد، بلکه هم به لحاظ نیت و هم به لحاظ پیام هدفمند است؛ لذا جنبه‌های فردگرایانه و جنبه‌های جمع‌گرایانه در شکل‌گیری کنش‌های انسانی به یک اندازه مهم هستند. از این‌رو، برای اجتناب از مغالطه‌های روش‌شناختی و با الهام از سنت پارسونزی در تفسیر کنش انسانی می‌توان به یک دیدگاه تلفیقی، که مبتنی بر ترکیب

دیدگاه‌های تقابلی (Dichotomous) است، دست یافت. در این چهارچوب، نظریات و الگوهای مختلفی ارائه شده است. از مهم‌ترین آنها، مدل آیزن و فیش بین (Fishbein Ajzen, 1975) است که مبتنی بر نظریه کنش مدلل (Reasoned Action) می‌باشد. به نظر این علماء، رفتارها در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آیند و حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام آن است "نیات"، تابعی از گرایش (Attitude) به سوی رفتار و هنجارهای ذهنی (Subjective Norms) می‌باشند. مطابق با این نظریه، رفتار افراد مبتنی بر دلایلی است که آنها برای نتایج اعمال خود دارند و در نتیجه آنها به انتخاب منطقی (Rational Choice) دست می‌زنند. عناصر این نظریه متشکل از دو بخش شخصی و اجتماعی است. عنصر شخصی گرایش فرد است که خود تحت‌تأثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است. بخش اجتماعی شامل هنجار ذهنی و بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است و متأثر از دو متغیر انتظار دیگران، به‌خصوص دیگران مهم، و نیز انگیزه یا پیروی از انتظارات دیگران است. این افراد یا گروه‌ها نقش الگو را برای رفتار افراد ایفاء می‌کنند. (رفیع‌پور، 1368: 8-11)

مدل انتظار و فایده به وسیله رابرت دال (1362: 31-34) در چارچوب قضایایی بسط داده شده که برخی از آنها در ارتباط با کنش مشارکتی حمایتی

یا رفتارهای انسان دوستانه الهام بخش است. به نظر
وی فرد موقعی در امری مشارکت می کند که:
- پاداشهای (مادی و غیرمادی) حاصل از مشارکت
برای وی از ارزش بالایی برخوردار باشد و با
هنجارها و ارزش های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی
منطبق باشد؛ مثلاً اگر مردم در ارزشیابی های خود
به این نتیجه برسند که از طریق کمک به فقرا
نتایج چندانی عاید نخواهد شد یا اعتقاد به این
امر نداشته باشند، آن ها حاضر نخواهند بود حمایت
از فقرا را از آن طریق دنبال کنند.

- مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در مقایسه
با سایر مکانیزم ها موثرتر ارزیابی کند و به
نتیجه برسد. در غیر این صورت تمایل چندانی در
مشارکت در امور اجتماعی نخواهد داشت؛ مثلاً در
حمایت از فقرای جامعه، اگر شخصی مکانیزم کمک به
نیازمندان هم نوع را بهتر از مکانیزم های دیگر
برای کاهش محرومیت و آلام دیگران تلقی کند تمایل
بیشتری برای کنش مشارکتی خیرخواهانه خواهد
داشت.

- فرد از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
بنابراین، فردی که فکر کند دانش او در زمینه ای
محدودتر است و با درگیر شدن در آن، عملاً به
نتیجه ای مناسب نخواهد رسید ترجیح خواهد داد
کمتر در آن مشارکت کند. این موضوع عمدتاً به جهل

فرد، يا به عبارتي به آگاهي فرد از جهل خود در زمينه اي خاصي مربوط مي‌شود؛ مثلاً اگر افراد آگاهي كافي در مورد شرايط فقر و نيازمندي در جامعه نداشته باشند، به ندرت نيت و عمل كمك به ديگران در آنها ايجاد خواهد شد.

– فكر كند بدون مداخله او، نتايج برخي اقدامات و امور توسط ديگران چندان رضايتمند نخواهد بود. در اين صورت تعهد و تمايل بيشتري براي مشاركت در آن امور خواهد داشت.

در چارچوب تحليل هاي رواني – اجتماعي، ديويدي سيلز در پي تبين عوامل موثر بر مشاركت مي‌باشد. به نظر مي‌رسد سيلز، در کنار دیدگاه هاي مذکور، تبين‌هاي مكممل و فراگيري را فراهم مي‌نمايد كه براي بررسي تجربي كُنش‌هاي مشاركتي از نوع حمايتي رهنمود بخش است، به ويژه طبقه بندي وي از عوامل درهم تنیده رواني – اجتماعي مفيد مي‌باشد. به نظر او اولاً، افراد در متن نيروهاي اجتماعي (منزلت، تعليم و تربيت و آموزش، باورها، مذهب و ...) محاط شده‌اند؛ ثانياً، تفاوت هاي شخصيتي از نظر توانمندي‌ها و استعدادها موجب مي‌شود كه افراد از نظر آمادگي براي پاسخ دادن به محرك هاي اجتماعي متفاوت باشند. به اين عوامل بايد تفاوت‌هاي شناختي (ميزان آگاهي)، فيزيكي و مادي (اقتصادي) را اضافه نمايم كه امكان عيني بروز كُنش مشاركتي

را فراهم می‌سازد. ثالثاً، تأثیر پیش شرط های اجتماعی و روان‌شناختی بر فعالیت اجتماعی افراد تا حدود زیادی بستگی به محیط های اجتماعی شامل نهادها و سازمان‌های اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد. بنا به عقیده سیلز، سه دسته متغیر به شدت با یکدیگر مرتبط و به هم آمیخته‌اند و هر تحلیلی که فقط مبتنی بر یکی از آنها باشد گمراه کننده است. (محسنی تبریزی، موسوی‌نژاد، 1370: 7)

با توجه به مباحث نظری، شاید بتوان رفتارهای حمایتی و دگرخواهانه را این‌گونه تعریف کرد که این نوع رفتارها نوع خاصی از کنش اجتماعی یا مشارکتی هستند که با دغدغه خاطر برای دیگران همراه‌اند و غالباً آگاهانه و داوطلبانه‌اند. در این کنش‌ها موضوع حرکت از نیت و قصد رفتاری به یک رفتار عینی، محور اساسی است. تحقق نیت علاوه بر وجود گرایش به عمل، مستلزم وجود عوامل دیگری از قبیل آگاهی از شرایط نیازمندی، دیدگاه افراد نسبت به این پدیده و داشتن امکان عینی کمک به دیگران هم‌نوع می‌باشد که غالباً متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و آموزه های مذهبی و امثالهم است. به عبارتی هر چند رفتارهای نوع دوستانه یک تصمیم ذهنی تلقی می‌شوند ولی هم‌اکنون آنها توسط باورها و شروط موقعیتی مشروط می‌شوند و جهت‌گیری

آنها براساس الگوهاي جمعي (قواعد، هنجارها و الگوهاي اجتماعي) ساختيابي شده اند و از اين رو، اين رفتارها نتيجه سلسله عوامل رواني، اجتماعي و رواني - اجتماعي اند. هر چند برخي از افراد در برخي جوامع در رفتارهاي خيرخواهانه خود رضايت جانشيني مانند ايثار و فداكاري را مد نظر قرار مي دهند و در وهله اول اطرافيان، هم كيشان و امثالهم را جزء تعهدات (اخلاقي يا اجتماعي) خود مي دانند، ولي در برخي ديگر، انگيزه هاي دگرخواهي صادقانه ريشه در همدلي، اعتماد و هم فكري دارد و در ذهن اينان «ديگران» به طور عام به مفهوم كل (همنوع) مطرح است. اين ذهنيت در كمك به نيازمندان و حمايت از مستمندان تاثير به سزاي دارد.

(2) روش شناسي

(2-1) هدف

هدف اين تحقيق بررسي رفتارهاي نوع دوستانه، انگيزه هاي كمك و عوامل تعيين كننده آنها مي باشد تا بتوان شناختي از ماهيت اين گونه رفتارها و جهت آنها (از قبيل خاص گرايانه و عام گرايانه) را مشخص نمود.

2-2) تعریف عملیاتی متغیرها

- با توجه به مباحث نظری فرض می‌شود که رفتارهای نوع‌دوستانه دارای ویژگی‌های زیر باشند و با متغیرها و عوامل زیر مرتبط باشند:
- انگیزه‌های افراد (مذهبی، نوع دوستی)؛
 - شرایط اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، شغل، بعد خانوار و توان مالی)، ویژگی‌های فردی (سن، جنس، تاهل) و باورها و اعتقادات (میزان مذهبی بودن، تقدیرگرایی) افراد؛
 - فعالیتهای مشارکت اجتماعی افراد؛
 - میزان آگاهی افراد از وضعیت فقر و نیازمندی آحاد جامعه؛
 - باور به نتیجه بخشی رفتارهای خیرخواه آنه در رفع یا تخفیف آلام دیگران؛
 - اعتماد به دیگران (در اظهار نیاز) و به سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی جامعه؛
 - اعتقاد به عدم توانایی دولت و یا دستگاه‌های حمایتی در رفع نیازمندی؛
 - موقعیت‌ها و وقایع از قبیل سوگواری، مسافرت، عید و بیماری؛
 - مناطق به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی.
- برخی از این مفاهیم نیاز به تعریف و توضیح دارند که ذیلاً اشاره می‌شود.
- **مذهبی بودن** : این مقوله به اجرای اوامر و

دستورات و توصیه های مذهبی اشاره می کند. در مطالعه حاضر با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد مذهب خصوصاً در ایران (سراجزاده، 1377؛ رجبزاده، 1377) و پس از بررسی های مقدماتی با توجه به هدف تحقیق تعداد معدودی از معرفیها برای مطالعه زمینه های مذهبی انتخاب شدند که عبارتند از اولویت بندی افراد در هزینه کردن پول و درآمد خود در صورت داشتن مقدار قابل توجهی پول در اموری چون: الف) زیارت اماکن مقدسه؛ ب) کمک به نیازمندان؛ ج) خرید مسکن و سیاحت. فرض بر این بود که انتخاب مورد الف «بیشتر مذهبی»، مورد ب «مذهبی بودن» (به طور متوسط) و موارد دیگر «کمتر مذهبی» بودن پاسخگویان را نشان می دهد. معرف میزان مقید بودن به «نذر و نیاز» و «رعایت واجبات و مستحبات و ترک محرمات» نیز در گویه های مستقل از پاسخگویان سؤال شد.

– **تقدیرگرایی (Fatalism):** اعتقاد به این که وقایع و امور به وسیله سرنوشت تعیین شده اند و آنچه هست و رخ می دهد اجتناب ناپذیر و از پیش تعیین شده است و تلاش و اراده بشری در جهت دادن یا ایجاد تغییر در آنها نقشی ندارد. با الهام از تحقیقات و مقیاس های توصیه شده برای سنجش قدرگرایی و بی قَدَری (Miller, 1980) و پس از بررسی های مقدماتی، گویه هایی در محورهای چون: «نظر پاسخگویان بر

تعیین سرنوشت فرد قبل از تولد؛ «نظر پاسخگویان در مورد توانایی فرد در مورد تغییر سرنوشت خود»؛ و «نظر پاسخگویان در مورد بخت و شانس» انتخاب شدند.

– **مشارکت:** به مفهوم درگیری ذهنی و عینی و سهمی شدن در امری و فعالیتی می‌باشد. مشارکت به دو صورت مورد بررسی قرار گرفت (الف: مشارکت انجمنی، به مفهوم مشارکت در مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی از قبیل عضویت در انجمن‌ها، شوراها، کانون‌ها یا همکاری با ارگان‌های و نهادهای اجتماعی و شرکت در مجالس مذهبی؛ ب) مشارکت در کمک به هم‌نوع؛ این نوع مشارکت به صورت اخص مد نظر بوده است و با گویه‌هایی در محورهای چون «میزان کمک به نیازمندان جامعه (کمک‌های نقدی و غیرنقدی)»، «میزان کمک در طی دوره‌های زمانی خاص (مثلاً سال گذشته، ماه گذشته)» و «میزان کمک به نیازمندان از طریق سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی» مورد مطالعه قرار گرفتند. بُعد دوم در واقع به خود متغیر وابسته تعلق دارد.

– **آگاهی:** فرض بر این است که دانش و اطلاع از وضعیت و شرایط، مقدم بر کنش مشارکتی افراد است. در اینجا میزان آگاهی از مسایل و مشکلات جامعه و همچنین شرایط فقر و نیازمندی در جامعه مد نظر بوده است که از طریق «ارزیابی پاسخگویان از

قرارگرفتن بیشتر مردم در طبقات مختلف (بالا، متوسط و پایین)» و «دیدگاه پاسخگویان در مورد روند فرآیند فقر و قطبی شدن جامعه ب ه مفهوم افزایش شکاف بین فقیر و غنی» در قالب گویه هایی تعبیه گردید. انتخاب این مقولات مبتنی بر شواهد آماری بررسی هزینه و درآمد خانوار و مطالعاتی است (مرکز آمار ایران 1361؛ 1367؛ 1380) که در دهه های گذشته انجام شده و بیانگر افزایش فقر و فاصله فزاینده بین فقرا و اغنیاست. (نخجوانی، 1381).

– **اعتماد:** به مفهوم وثوق و اطمینان به دیگری یا دیگران (خصوصاً به لحاظ اطمینان از صحت ابراز نیاز و مقصر نبودن فرد در شرایط نیازمندی وی) است. این مفهوم به طرق زیر بررسی شده است: الف) درجه اعتماد پاسخگو به دیگران (مردم) که در قالب مقیاسی مشتمل بر گویه هایی شش گانه پس از آزمون مقدماتی انتخاب و بررسی شدند که عبارتند از: «این روزها به سختی می توان کسی را پیدا کرد که واقعاً به او اعتماد کرد»؛ «وقتی خوب فکر می کنی می بینی کسانی که می توانی اعتماد کنی اندک اند»؛ «اکثر مردم قابل اعتمادند»؛ «عموماً می توان به غریبه ها اعتماد کرد»؛ «اکثر مردم در بیان نیاز به دیگران درستکار و صادق اند» و «خیلی ها فقط از آن رو با تو دوست اند که چیزی از

تو می خواهند». ب) میزان اعتماد به دستگاه های حمایتی از قبیل بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، خیریه های مساجد و مؤسسات عام المنفعه بررسی شده است.

– **موقعیتها و وقایع:** به وضعیت های اشاره دارد که فرد با آن روبرو می شود و سبب برانگیخته شدن فرد به کمک به امر خیریه ای می شود که در این جا به لحاظ اهمیت، موقعیت های سوگواری، مسافرت، عید و بیماری در قالب سؤالی به صورت مقایسه ای از پاسخگویان پرسیده شد.

– در مقولاتی چون "اعتقاد به عدم توانایی دولت و یا دستگاه های حمایتی در رفع نیازمندی" و "احساس بی قدرتی و باور به نتیجه بخشی رفتارهای خیرخواهانه در رفع یا تخفیف آلام دیگران" هر کدام در قالب گویه ای از پاسخگویان سؤال شد.

– **منطقه:** از نظر میزان توسعه یافتگی مطرح است که فرض می شود که با ماهیت کنش ها مرتبط باشد و در جوامع توسعه یافته تر رفتارهای نوع دوستانه گرایشات عام گرایانه (مبتنی بر دیگران به عنوان کل و انسان) بیش از گرایشات خاص گرایانه (مبتنی بر قوم، خویشاوندی و امثالهم) می باشد. بر مبنای نتایج سطح بندی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در سال 1375، استان های مورد مطالعه به ترتیب توسعه یافتگی به ترتیب شامل تهران، اصفهان، یزد،

مرکزي، گيلان و کرمان بودند.

– **جهت‌گيري رفتارها:** با بهره‌گيري از مقياس هاي پيشنهاد شده توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعي (Miller, 1980; Shuessler, 1978) و تحقيقات انجام شده در ايران (وزارت ارشاد، 1383)، مطالعه مقدماتي با گويه‌هايي در محورهاي زير براي بررسي انتخاب شد: «ابتدا نياز خود فرد، بعد ديگران»؛ «کمک صرف به خويشاوندان»؛ «موظف بودن مردم در کمک به نيازمندان علي‌رغم کمک دولت»؛ «کمک به ديگر نيازمندان در هر نقطه از جهان صرف نظر از مذهب، مليت و صرفاً به خاطر اهداف انسان دوستانه»؛ «مسئوليت فردي در برآوردن نياز خويش و عدم توقع از ديگران»؛ «وجود سازمان‌هاي حمايتي (دولتي) و عدم نياز به درخواست کمک از مردم».

تمام گويه‌ها براي بررسي معرف‌ها يا مقولات مرتبط با رفتارهاي نوع دوستانه با استفاده از طيف ليکرت با گزينه‌هاي سه‌تايي (زياد، متوسط و پايين) مطرح شدند که پس از بررسي مقدماتي (Pre-Test) براي بررسي نهايي انتخاب شدند. توضيح آن که، گويه‌هاي انتخاب شده براي هر يك از متغيرهاي مورد بررسي، آن‌هايي بودند که داراي ضريب بالاي 70 درصد (معرف روايي بالا) بودند؛ از اين رو، گويه‌هايي که ضريب پايين‌تري داشتند حذف شدند.

3-2) جامعه آماری و گروه نمونه

با توجه به هدف تحقیق و ماهیت داده های مورد نیاز، از روش تحقیق میدانی در شش استان کشور استفاده شد (جدول شماره 1). این استان ها از بین سه گروه از استان ها از نظر درجه توسعه یافتگی (یعنی توسعه یافتگی بالا، توسعه یافتگی متوسط و توسعه یافتگی پایین) براساس نتایج سطح بندی فوق الذکر، به صورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از 1710 نفر پاسخگو از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع آوری شد. این افراد با استفاده از فرمول کوکران برآورد شدند و بر اساس نمونه گیری تصادفی مراکز استان با توجه به بلوک بندی شهرداری های این مراکز انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. از آماره های مختلف مانند ضرایب همبستگی، آزمون F، تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره برای تحلیل روابط، سود جسته شده است.

جدول 1: توزیع جمعیت نمونه بر اساس مراکز استان

مراکز استان	تهران	مرکزی	یزد	اصفهان	گیلان	کرمانشاه
تعداد نمونه	600	139	173	442	142	214

3) یافته ها

یافته های تحقیق، که نتایج آن در جدول شماره 2 منعکس شده است، نشان می دهد که به لحاظ مشخصات فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیت نمونه، نزدیک 62

درصد از آن‌ها را مردان و 38 درصد را زنان تشكيل مي‌دهد. از نظر وضعيت تاهل، 60 درصد از جمعيت نمونه را متأهلين و 40 درصد را مجردين تشكيل مي‌دهند. از نظر بعد خانوار، حدود 95 درصد از افراد نمونه را خانوارهاي "3 نفره و کمتر" و "4-7 نفره" تشكيل مي‌دهد و هر کدام از اين گروه‌هاي سني حدود نيمي از افراد نمونه را شامل ميشوند و تنها حدود 5 درصد از جمعيت نمونه داراي خانوارهاي «8 نفر و به بالا» هستند. با توجه به تحصيلات، 41 درصد داراي ديپلم و پايين‌تر، 54 درصد داراي «فوق‌ديپلم و ليسانس» و تنها 4/5 درصد داراي «فوق ليسانس يا بالاتر» مي‌باشند. از نظر شغلي، حدود 23 درصد از جمعيت نمونه را مشاغل سطح پائين، حدود 33 درصد را مشاغل سطح متوسط، و تنها 4/5 درصد را مشاغل رده بالا و 33 درصد ديگر را افراد خانه‌دار، سرباز و... تشكيل مي‌دهد*. از نظر وضعيت اقتصادي،

* طبقه‌بندي مشاغل به سه رتبه براي سادگي تحليل و توصيف، براساس عنوان‌بندي مشاغل مرکز آمار ايران در سرشماري نفوس و خانوارها به شرح ذيل صورت گرفته است. براي شغل سه رتبه در نظر گرفته شد: مشاغل سطح بالا شامل: (1) متخصصين عالي‌رتبه، (2) مديران عالي‌رتبه، (3) کارمندان عالي‌رتبه، (4) مشاغل تجاري بالا؛ مشاغل سطح متوسط شامل: (1) متخصصين غير عالي‌رتبه (معلم، تکنسين و...)، (2) کشاورزان، (3) مشاغل توليدي بالا (تراشکار، برق کار و...)، (4) مشاغل خدماتي بالا (آرايشگر، راننده تاکسي و...)، (5) مشاغل توليدي متوسط (بنا، تجار، کاشي کار و...)؛ مشاغل سطح پائين شامل: (1)

51 درصد از افراد نمونه خود را در سطح پایین، 38 درصد در سطح متوسط و نزدیک 10 درصد در سطح بالا قرار دادند.

بررسی معلوم ساخت که حدود 20 درصد پاسخگویان، مشارکت حمایتی بالا، 35 درصد مشارکت حمایتی متوسط و 45 درصد مشارکت حمایتی پایین را در کمک به هم‌نوعان اظهار داشتند. از بین پاسخگویان 50 درصد انگیزه‌های بشر دوستانه و مذهبی، 30 درصد ترحم و دلسوزی و 20 درصد مسئولیت و تعهدات اجتماعی را به عنوان محرک اصلی در کمک به هم‌نوعان ذکر کردند.

بررسی روابط بین ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی پاسخگویان با رفتارهای حمایتی خیرخواهانه آنان نشان داد که متغیرهای جنس و سن رابطه معنی‌داری از نظر آماری با رفتار حمایتی افراد ندارند و این رابطه از نظر شدت، ضعیف و از نظر جهت، منفی می‌باشد.

با توجه به متغیرهای سطح تحصیلات و وضعیت تأهل، هرچند تحلیل داده‌ها رابطه معناداری از نظر آماری با رفتار نیکوخواهانه پاسخگویان نشان

کارمندی رده پایین (بایگان، نامه رسان و ...)، (2) دادوستدکنندگان رده پایین (بقال، خرازی و ...)، (3) کارگران کشاورزی (باغبان، ماهیگیر و ...)، (4) مشاغل خدماتی پائین (نظافتچی، دربان، باربر و ...)، (5) مشاغل تولیدی پایین (کارگر ساده کارخانه، کارگر ساختمانی، پادو و ...).

می‌دهد، ولی مقدار پیوستگی برای هر دو متغیر منفی و ضعیف می‌باشد. بدین مفهوم که، هر چند متغیر تحصیلات در کنش حمایتی افراد مهم است، ولی در بین جمعیت نمونه، افراد متاهل و دارای تحصیلات بالا گرایش چندانی در امور مشارکت‌های حمایتی از خود نشان ندادند و این گرایش نیز چندان مهم نبوده است. بدین مفهوم که لزوماً این‌گونه نیست که تنها افراد مجرد و با تحصیلات اندک به هم‌نوعان کمک می‌کنند.

جدول 2: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای مورد بررسی و تحلیل روابط بین رفتارهای حمایتی متغیرهای مستقل

متغیرها	تعداد	درصد	معنا داری (0/05)	مقدار پیوستگی	متغیرها	تعداد	درصد	معنا داری (0/05)	مقدار پیوستگی
جنس				0/342	انگیزه کمک				-0/025
مرد	1044	9/61	2/27		ترحم	465			
زن	666	1/38	25		مذهبی	427			
سن			2/28	0/461	انسان دوستانه	478			0/008
30 و کمتر	516	2/30	7/19		تعهد اجتماعی	330			
31-41	355	8/20			مؤثر بودن کمک‌ها			0/000	0/625
42+	839	1/49							
تحصیلات			6/29	-0/066	پایین	506			0/003
'دیپلم و	710	5/5	4/4		متوسط	571			

		33				41		دیپلم به پائین
		37	633	بالا		0/54	923	'فوق دیپلم و لیسانس'
/849	/000			وضعیت اقتصادی		4/5	77	'فوق لیسانس و به بالا'
		4/51	878	پایین	/357	/009		بعد خانوار
		7/38	665	متوسط		2/48	824	1-3
		9/8	167	بالا		6/46	796	4-7
/032	/415			مشارکت انجمنی		5/3	90	8+
		7/75	130	پایین	/002	-/095		تاهل
		4/19	332	متوسط		6/40	694	مجرد
		4/9	838	بالا		4/59	1016	متاهل

ادامه جدول 2

/443	/001			اعتماد به دیگران				میزان کمک به دیگران
		1/23	395	پایین		2/45	773	پایین
		5/34	597	متوسط		6/34	327	متوسط
		4/42	725	بالا		20	660	بالا
/512	/000			عدم پوشش سازمان های حمایتی	/336	/000		مذهبی بودن
		16	270	پایین		2/26	444	پایین
		30	513	متوسط		1/61	1043	متوسط

		56	957	بالا			/5 12	213	بالا
/330	/000			موقعيت و وقايع	-/246	/028			تقديرگرايي
		42	718	سوگواري			/8 15	271	پايين
		28	479	مسافرت			/9 37	648	متوسط
		28	479	عيد			/2 42	791	بالا
		3/2	54	بيماري	/740	/000			آگاهي از مشكلات
							6/5	111	پايين
							/6 32	557	متوسط
							/9 60	102	بالا

با توجه به بعد خانوار، در کل جمعيت نمونه رابطه معناداري از نظر آماري بين رفتار حمايتي و بعد خانوار مشاهده ميشود، ولي اين رابطه، منفي و در حد متوسط است و خانواره اي پُر تعداد، مشاركت کمتری در مقايسه با خانوارهاي کم‌تعداد در کمک به ديگران دارند.

از نظر وضعيت اقتصادي، بيش از 50 درصد خود را در سطح پايين، حدود 40 درصد خود را در سطح متوسط و نزديك 10 درصد خود را در سطح بالا ارزيابي کردند. تحليل داده ها، رابطه معني‌داري را از نظر آماري با رفتار حمايتي نشان داد (0/000)، به طوري که مقدار پيوستگي، اين رابطه را مثبت و قوي نشان مي‌دهد (0/849) که بيانگر تأثير

قابل ملاحظه وضعیت اقتصادی پاسخگویان بر رفتار حمایتی آنان می‌باشد.

بررسی میزان مذهبی بودن افراد نمونه نشان می‌دهد که حدود 61 درصد آنان خود را از نظر مذهبی بودن در سطح متوسط، 26 درصد پایین و 12/5 درصد خیلی مذهبی ارزیابی کردند. قابل ذکر است که با توجه به گرایش پاسخگویان به موارد هزینه در صورت داشتن تمکن مالی، نزدیک 80 درصد کمک به هم‌نوعان و زیارت اماکن مذهبی را به عنوان اولویت هزینه ذکر می‌کنند. از نظر اعتقاد به نذر و نیاز، 65 درصد اعتقاد زیاد و 17/5 درصد اعتقاد متوسطی را ابراز نمودند. با عنایت به این گرایش‌ها، به نظر می‌رسد رضایت جانشینی نقش قابل توجهی در کمک به هم‌نوعان داشته باشد. از نظر آماری رابطه معنی‌داری بین مشارکت در امور حمایتی و مذهبی بودن وجود دارد. مقدار پیوستگی این رابطه را مثبت و در حد متوسط نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت نتیجه تحلیل داده‌ها از یک سو تأثیر مذهبی بودن را بر مشارکت تأیید می‌کند و از سوی دیگر این نظر را که مذهب می‌تواند نقش قاطعی در کنش مشارکتی افراد بازی کند با قاطعیت تأیید نمی‌کند و احتمال تأثیر عوامل و انگیزه‌های دیگر از جمله نیت انسان‌دوستانه را رد نمی‌کند. یافته‌های تحقیق حاکی از گرایش قابل توجه

پاسخگويان نسبت به تقديرگرابي است. براي مثال، بيش از 46 درصد از پاسخگويان اعتقاد زياد، حدود 38 درصد اعتقاد در حد متوسط و حدود 16 درصد اعتقاد اندك به سرنوشت دارند. تحليل داده ها، رابطه بين متغير تقديرگرابي و كنج حمايتي از نظر آماري را معني دار نشان مي دهد و ضريب پيوستگي، ميزان ارتباط را در حد متوسط و جهت آن را منفي نشان مي دهد؛ اين بدین مفهوم است كه تقديرگرابي بالا اغلب با مشاركت اندك در كمك به نيازمندان ملازمت دارد.

از نظر اين كه، آگاهي از مشكلات اقتصادي مردم در بين افراد مورد بررسي چقدر بوده است، داده ها معلوم مي دارد كه بيش از 60 درصد پاسخگويان آگاهي شان در مورد مسائل و مشكلات مردم خصوصاً مسائل اقتصادي شان زياد يا متوسط و 40 درصد اندك مي باشد. در كل جمعيت نمونه، رابطه بين آگاهي از مشكلات و ميزان مشاركت از نظر آماري معني دار و قابل توجه بوده كه مي تواند تاثيري بر تاثير امكان (يا شرايط) عيني بر كمك به ديگران باشد. حدود 86 درصد پاسخگويان اعتقاد دارند كه سازمان هاي فعال در امور حمايتي توانايي پوشش تمام افراد جامعه را ندارند يا كمك هاي آن ها به حدي نيست كه بتواند در رفع نياز نيازمندان كاملاً موثر باشد. همين طور بيش از 70 درصد

پاسخگویان بر این باورند که کمک های آنان یا کمک های مردم در برطرف کردن آلام و نیازهای دیگران موثر است. هر دو این م قولات رابطه ای معنی دار و بالا را با متغیر مشارکت حمایتی آشکار می سازند.

با توجه به متغیر اعتماد (به دیگران)، $43/4$ درصد از آنان اعتماد زیاد به مردم، $34/5$ درصد اعتماد نه چندان زیاد و $23/1$ درصد اعتمادی اندک به مردم دارند. بر اساس داده ها می توان گفت که افراد نمونه تا حد زیادی نسبت به دیگران (خصوصاً در بیان نیازشان) خوشبین هستند. از نظر اعتماد به دستگاه های حمایتی (به واسطه کمک به نیازمندان از طریق آنان) بالاترین درصد اعتماد پاسخگویان، به ترتیب به مساجد و خیریه ها $51/4$ درصد، به کمیته امداد $41/1$ درصد، به سازمان بهزیستی $26/7$ درصد و به بنیاد پانزده خرداد $23/9$ درصد می باشد. تحلیل روابط بین اعتماد و کنش حمایتی پاسخگویان نیز حاکی از وجود همبستگی مثبت و نسبتاً قوی بین اعتماد به مردم و همبستگی ضعیف در مورد دستگاه های حمایتی نمایان است که می تواند بدین مفهوم باشد که رفتارهای حمایتی افراد نمونه لزوماً از اعتماد آنان به این دستگاه ها تأثیر نمی پذیرد.

جدول 3: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به دستگاه های حمایتی

اعتماد سازمان‌ها	بنیاد 15 خرداد	سازمان بهزیستی	کمیته امداد	خیریه ها و مساجد
پایین	32/1	22/8	17/0	8/6
متوسط	37/9	45/1	39/4	29/3
بالا	23/9	26/7	41/1	51/4
هیچکدام	6-1	5/4	2/5	13/7
کل	100/0	100/0	100/0	100/0

بررسی نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان (بیش از 75 درصد) مشارکت اجتماعی (انجمنی) اندکی در سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی داشتند که خود حاکی از ضعف جامعه مدنی بوده که زمینه چندان مساعدی را برای مشارکت فعال افراد در انجمن‌ها و موسسات مدنی ایجاد نکرده است. در بین فعالیت‌های فوق‌الذکر، اغلب پاسخگویان اظهار داشتند که در فعالیت مذهبی و عبادی شرکت دارند. هرچند تحلیل داده‌ها همبستگی بین مشارکت انجمنی و مشارکت در امور حمایتی، رابطه مثبت ولی ضعیفی را آشکار می‌نماید که بر تاثیر اندک مشارکت انجمنی در فعالیت‌های حمایتی اشاره دارد.

با توجه به برخی موقعیت‌ها و وقایع خاص، که افراد معمولا در طی زندگی خود با آن‌ها مواجه می‌شوند، حدود 42 درصد موقع سوگوار ری، 28 درصد موقع مسافرت، نزدیک 27 درصد ایام عید و 3/2 درصد زمان بیماری را مؤثر و مهم ذکر کردند. این موقعیت‌ها دارای رابطه معنی‌دار و دارای همبستگی مثبت و قابل ملاحظه‌ای از نظر آماری با رفتارهای

حمایتي می‌باشند.

بررسی این که آیا تفاوت های منطقه ای به لحاظ میزان توسعه یافتگی بر مشارکت افراد نمونه در امور حمایتی تأثیر دارد یا نه، تحلیل واریانس یکطرفه (Anova) تفاوت‌های معناداری بین این استان‌ها از نظر درجه توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت در امور حمایتی نشان داد. به عبارتی تأثیر مناطق مختلف در کنش حمایتی مهم است و لزوماً استان‌های مورد بررسی از این جهت یکسان نیستند و میزان توسعه‌یافتگی استان‌ها عاملی مؤثر در مشارکت‌های مردمی در کمک به هم‌نوعان محسوب می‌شود. آزمون F تفاوت معناداری بین گروه‌ها (جدول شماره 4) را بیان می‌دارد و تفاوت میانگین‌ها به ترتیب نزولی در مناطق مورد مطالعه رابطه مذکور را نشان می‌دهد.

مقایسه استان‌های مورد مطالعه نیز نشان می‌دهد که استان تهران با بقیه استان‌ها از نظر سطح توسعه‌یافتگی و میزان مشارکت تفاوت معناداری دارد. یعنی تأثیر توسعه یافتگی بر میزان مشارکت پاسخگویان در امور حمایتی در تهران بیش از سایر استان‌ها است. مقایسه سایر استان‌ها با همدیگر نشان می‌دهد (به استثناء تهران) روابط معناداری از نظر آماری بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول 4: تحلیل واریانس مشارکت در امور حمایتی و منطقه (درجه توسعه‌یافتگی)

استان	میان گین	تعداد (N)	مجموع مجذورات	DF	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
تهران	4/09	576	بین مناطق	5	67/724	/561 12	000
اصفهان	3/70	442	درون مناطق	1670	1800/825		
یزد	3/81	176	مجموع	1675	1868/549		
مرکزی	3/59	128					
گیلان	3/53	142					
کرمانشاه	3/78	212					
کل	3/84	1676					

بررسی جهت رفتارهای نوع دوستانه نشان می‌دهد که اولاً، گرایش‌های عام‌گرایانه عموماً در کلیه مناطق قابل توجه است. ثانیاً، گرایش به رفتارهای عام‌گرایانه در استان‌های توسعه یافته نسبت به مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر است. تحلیل داده‌ها نیز ارتباط بین توسعه یافتگی و جهت رفتارهای دگردوستانه را معنادار نشان می‌دهد و این ارتباط نسبتاً قابل توجه و مثبت می‌باشد. (جدول شماره 5) براساس تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهای در نظر گرفته شده در این مطالعه در مجموع دارای رابطه معناداری با متغیر مشارکت حمایتی می‌باشند و ضریب رگرسیون با مقدار نسبتاً بالایی (65 درصد) تغییرات متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته (رفتار حمایت نوع دوستانه) تبیین می‌کند. در کل جمعیت نمونه متغیرهای مستقل بیش از 42

درصد تغییرات در متغیر رفتار حمایتی را پیش‌بینی کردند که به نظر می‌رسد در حد مطلوبی است.

جدول 5: توزیع پاسخگویان بر حسب جهت رفتارهای نوع دوستانه و منطقه (توسعه‌یافتگی)

(N) تعداد	خاص‌گرایانه (درصد)	عام‌گرایانه (درصد)	رده‌بندی بر اساس توسعه‌یافتگی
576	38/8	67/2	تهران
442	61/9	62/1	اصفهان
176	46/3	53/7	یزد
128	48/1	48/1	مرکزی
142	51/8	37/4	گیلان
212	66/6	40/5	کرمانشاه
		0/00	معناداری مقدار
		/431	پیوستگی

بررسی تاثیرات جزئی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان داد که بالاترین ضریب بتا به ترتیب به متغیرهای «اعتقاد به موثر بودن کمک‌ها»، «آگاهی از مشکلات معیشتی مردم»، «توسعه‌یافتگی»، «عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی»، «وضعیت اقتصادی»، «میزان اعتماد به دیگران (در نیاز به کمک)»، «موقعیتها و وقایع»، تعلق دارد. بررسی همچنین آشکار ساخت که متغیرهای جنس، تأهل، بعد خانوار و تقدیرگرایی رابطه منفی با مشارکت در امور حمایتی را نشان می‌دهند، با این حال تاثیر این متغیرها به علاوه بقیه متغیرهای وارد شده به

معادله رگرسيون بر مشاركت حمايتي جمعيت نمونه ،
 تعيين‌کننده نيست. (جدول شماره 6)

جدول 6: رگرسيون چند متغيره رفتارهاي حمايتي و
 متغيرهاي مستقل درکل جامعه آماري و مناطق مورد
 مطالعه

متغيرهاي مستقل	ضريب بتا	متغيرهاي مستقل	ضريب بتا
تاهل	-/306	عدم توان پوشش سازمان‌هاي حمايتي	/435
جنس	-/41	وضعيت اقتصادي	/46
تحصيلات	/007	مذهبي بودن	/043
شغل	/018	تقديرگرابي	-/013
بعد خانوار	-/045	اعتماد به ديگران	/319
سن	/042	آگاهي	/771
باور به موثر بودن کمه‌ها	/885	موقعيت و وقايع	/399
منطقه (توسعه‌يافتگي)	/700	مشاركت انجمني	/011
F-آزمون	45/51	Multi-R	/65
معناداري آماري	0/00	R-square	/42
تعداد	1710		

توضيح: با رعايت قواعد حاکم بر تحليل رگرسيون چند متغيره، براي ورود به معادله رگرسيون در مورد متغيرهاي زير به صورت ذيل عمل شد: تاهل و جنس به متغيرهاي دو گزينه‌اي تبديل شدند؛ تحصيلات با پنج طبقه با ارزش 1 تا 5 به ترتيب از سطح پايين تا بالا بررسي شدند؛ شغل بر اساس

رتبه‌بندی مشاغل مرکز آمار ایران در 14 گروه با نمره 1 تا 14 بر اساس رتبه شغلی وارد معادله شد؛ متغیرهای "باور به موثر بودن کمک‌ها" و "عدم توان پوشش سازمان‌های حمایتی" در یک شاخص 1 تا 7 مورد بررسی قرار گرفتند.

4 نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال آن بود که به تبیین رفتارهای حمایتی ای از قبیل کمک به دیگران (نیازمند) بپردازد و ماهیت، عوامل و انگیزه‌های کمک و جهت آن‌ها را بررسی کند. با مروری بر مهم‌ترین نظریات و دیدگاه‌های مرتبط، رفتارهای حمایتی به نوع خاصی از کنش اجتماعی یا مشارکتی اطلاق شد که با دغدغه خاطر برای دیگران همراه است، بیش از آن‌که منشأ درونی و ذاتی یا تقلیدی داشته باشد مدلل و آگاهانه است، و در عین حالی که داوطلبانه است، متغیرهایی از قبیل فشارها و هنجارهای اجتماعی، باورها، عقاید، توان عینی (مانند استطاعت اقتصادی) و امثالهم در بروز این نوع رفتار نقش ایفا می‌کنند. هر چند برخی از افراد در برخی از جوامع برای اعمال خیرخواهانه رضایت‌ناشینی مانند ایثار و فداکاری را مد نظر قرار می‌دهند، ولی انگیزه‌های دگرخواهی صادقانه آگاهانه، که ریشه در همدلی، اعتماد و همفکری دارد و مبتنی بر انسان دوستی صرف است، در بروز این رفتارها تاثیر بسزایی دارد.

بررسي تجربي رفتارهاي حمايتي يا نوع دوستانه و عوامل و انگيزه هاي مؤثر بر آنها و همچنين جهت آنها، با استفاده از روش ميداني در شش استان کشور با تعداد 1710 نمونه انجام شد و موارد زیر معلوم گرديد:

از ويژگيهاي فردي، جنس، تاهل و سن چندان ارتباط و پيوستگي معنادار يا قوي را از نظر آماري با رفتار حمايتي افراد نشان ندادند. از ويژگيهاي اجتماعي و اقتصادي، اگرچه شغل و تحصيلات رابطه معني داري را نمايان ساختند، ولي اين ارتباط چندان تعيين کننده (زياد) مشاهده نگريد. متغيرهاي بعد خانوار و وضعيت اقتصادي رابطه معني داري با رفتار حمايتي آشکار ساختند، به طوري که ميزان پيوستگي به ترتيب در حد متوسط و به بالا مشاهده گرديد.

بخش قابل توجهي از جامعه نمونه، خود را خيلي مذهبي ذکر کردند و داراي گرايشات قدرگرايي بالايي بودند. اين متغيرها، داراي رابطه معني داري بين ميزان مذهبي بودن و رفتار نوع دوستانه بوده، ولي تحليل داده ها اين رابطه را در حد متوسط نشان داد. تقديرگراها مشارکت حمايتي پاييني از خود نشان دادند. متغير «آگاهي از مشکلات اقتصادي مردم» رابطه معني دار و بالايي با رفتار حمايتي آشکار ساخت. مشارکت انجمني در

کل جامعه نمونه، پایین و ارتباط آن ضعیف، ولی مثبت مشاهده گردید.

اکثریت اعتقاد داشتند که سازمان های حمایتی فعال در جامعه قادر نیستند نیازهای افراد نیازمند را تحت پوشش قرار دهند در مقابل، کمک‌های خودشان به دیگران را در رفع مشکلات آنها موثر می‌دانستند. رابطه این باورها با مشارکت حمایتی معنی‌دار و نسبتاً قوی مشاهده گردید.

موقعیت‌ها و وقایع خاص (مانند سوگواری، مسافرت، عید)، که نقش بلاواسطه ای در تحریک احساسات افراد دارند، رابطه معنی‌دار، مثبت و قابل ملاحظه‌ای با رفتارهای حمایتی معلوم ساختند. تحلیل داده‌ها تاثیر تفاوت‌های منطقه‌ای را با توجه به میزان توسعه‌یافتگی آنها مهم نشان داد. همچنین یافته‌ها جهت عام‌گرایی رفتارهای حمایتی را با درجه توسعه‌یافتگی مناطق مورد تایید قرار داد. با توجه به این‌که تفاوت‌های منطقه‌ای بیشتر بین مناطق بیشتر توسعه‌یافته (مثل تهران) و مناطقی بود که از نظر میزان توسعه‌یافتگی در رتبه بعدی قرار دارند، در بین گروه اخیر این تفاوت‌ها اندک بوده است، لذا می‌توان گفت هرچند در بین مناطق مورد بررسی، رفتارهای حمایتی گرایش به عام‌گرایی دارد، ولی گرایش خاص‌گرایی در جمعیت نمونه نیز قابل توجه است. به علاوه، با

توجه به نقش باورهاي قدرگرايي و انگيزه هاي مذهبي، كه بخشي از آن‌ها در اعتقاد به نذر و نیاز انعكاس پيدا مي‌كند، مي‌توان گفت كه رضايست جانشيني مبتني بر ايثار و فداكاري هنوز در جامعه آماري مورد مطالعه نقش قابل ملاحظه اي در كمك‌هاي نوع‌دوستانه ايفا مي‌كند.

در مجموع متغيرهاي مورد بررسي، حد قابل قبولي از تغييرات را در رفتار حمايتي افراد نمونه پيش‌بيني كردند، بدین معني كه ه با تغيير آن‌ها مي‌توان تا حد قابل ملاحظه اي تغيير در رفتار كمك‌رساني و نوع‌دوستانه را شاهد بود. با توجه به ميزان تاثير (مثبت) متغيرهاي مورد بررسي بر رفتار حمايتي، بيشترين ميزان تاثير به ترتيب به متغيرهاي «اعتقاد به موثر بودن كمك‌ها»، «آگاهي از مشكلات معيشتي مردم»، «توسعه‌يافتگي»، «وضعيت اقتصادي»، «عدم توان پوشش سازمان هاي حمايتي»، «موقعيتها و وقايع»، «ميزان اعتماد به ديگران (در نیاز به كمك)» تعلق داشت. هر چند ضريب بتا در مورد متغير سن و تأهل قابل توجه است ولي داراي رابطه منفي با مشاركت حمايتي است. بقيه متغيرها در رتبه بعدي قرار داشتند و تاثير چندان زيادي را بر مشاركت حمايتي جمعيت نمونه نمايان نساختند.

اگر بخواهيم با توجه به يافته‌هاي تحقيق به يك

جمع‌بندی در مورد رفتارهای حمایتی برسیم بایستی گفت که زن یا مرد بودن، جوان یا پیر بودن، متأهل و مجرد بودن و شغل خاصی داشتن در بروز این رفتارها هر چند بی تاثیر نیستند ولی نقش خیلی قاطعی را ایفا نمی کنند. اگر افراد از شرایط فقر و نیازمندی افراد دیگر آگاه و مطمئن باشند و به این نتیجه برسند کمک های آنها می‌تواند در حل مشکلات هم نوعان تاثیری داشته باشد، به ویژه در موقع یتهایی قرار گیرند که عواطف آنها بیشتر متاثر شود، در صورتی که امکان عینی کمک داشته باشند به دیگران کمک خواهند کرد.

رفتارهای حمایتی ممکن است ریشه فطری، روانی، اجتماعی یا بیواجتماعی داشته باشد، با این وصف، به نظر می‌رسد انگیزه های نوع دوستانه با خصایص ایثارگرانه و خالصانه نقش مهمی در بروز این نوع رفتارها دارند و در مناطق توسعه یافته‌تر بروز این رفتارها تا حد زیادی در راستای همدلی با هم‌نوعان و با انگیزه های کمک به انسان - به مفهوم عام (نه انسان هم‌کیش، خویشاوند و هم‌قوم و امثالهم) - صورت می‌گیرد.

1. چلبی، مسعود . (1375) ، **جامعه‌شناسی نظم** ، تهران، نشر نی.
2. رجبزاده احمد . (1377) ، **حیات دینی خانوار در شهر تهران**، نامه پژوهش، سال دوم، شماره 7 و 8.
3. رفیع‌پور، فرامرز . (1368) ، **سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهادسازندگی: پژوهشی در استان‌های اصفهان، فارس و یزد، مرکز مطالعات روستایی، تهران، وزارت جهاد سازندگی.**
4. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی . (1375) ، **سطح‌بندی استان‌های کشور در سال 1375 و مقایسه آن با نتایج سطح بندی سال‌های 1372، 1367-1355**، معاونت هماهنگی و برنامه ریزی، نشریه شماره 211.
5. سراج‌زاده، سیدحسین . (1377) ، **نگرش‌ها و رفتار دینی نوجوانان تهرانی** ، نامه پژوهش، سال دوم، شماره 7 و 8.
6. شکوری، علی . (1382) ، **بررسی زمینه‌های مشارکت مردمی در جلب هدایا** ، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته امام خمینی.
7. طالبان مجتربا . (1377) ، **سنجش دینداری جوانان**، نامه پژوهش. سال دوم، شماره 7 و 8.
8. کمیته‌امداد امام خمینی . (83-1370) ، **گزارش آماری، کمیته امداد امام خمینی** ، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته امداد امام خمینی.
9. کمیته‌امداد امام خمینی . (1381) ، **خط مشی‌های اساسی برنامه پنج ساله کمیته امداد امام خمینی**، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس کمیته‌امداد امام خمینی.

10. محسنی تبریزی، علی‌رضا و موسوی نژاد سیدابراهیم. (1370)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان در ارتباط با نظام آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی، وزارت جهاد سازندگی.
11. مرکز آمار ایران. (1361، 1367، 1379، 1380)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی.
12. معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی کمیته امداد. (1373)، بررسی تأثیر حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر عزت نفس فرزندان تحت پوشش، تهران، انتشارات کمیته امداد.
13. موسوی، مینو. (1380)، آکسفام بزرگ‌ترین سازمان غیردولتی جهان، تهران، مجله شهرداری‌ها، شماره 16.
14. نادری، سیف‌نراقی. (1370)، اختلالات رفتاری کودکان، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات.
15. نجوانی، سیداحمد. (1381)، رفاه اقتصادی خانوارهای کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره 6. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
16. نمازی، مجتباقر. (1380)، بررسی وضع موجود تشکلهای غیردولتی ایران، مجموعه مقالات نقش و جایگاه NGO در عرصه فعالیت ملی و بین‌المللی، تهران، دفتر تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
17. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (1383)، رفتارهای فرهنگی ایرانیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

18. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی . (1383) ، **سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی** ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
19. Baron and Byrne. (1987), "**Social Psychology and Human Interaction**", 5th edition, New York: Harper.
20. Blau, P. (1961), "**Exchange and Power in Social Life**". New Brunswick, NJ: Transaction Publications.
21. Campell, D.T. (1988), "**Social Attitudes and Other Acquired Behavioral Dispositions**". in S. Koch (ed.), Psychology, A Study of A science, NewYork, McGraw- Hill.
22. Dekker, P. and E.M. Uslaner. (2001), "**Social Capital and Participation**". New York: Rutledge.
23. Elster, J. (1990), "**The Cement of Society: A Study of Social Order**". Cambridge: Cambridge University Press.
24. Fishbein & Ajzen. (1975), "**Belief, Attitude, Intention and Behaviour: An Introduction to Theory and Research**". London: Addison-Welley.
25. Kaplan-Sadock. (1990), "**Clinical Psychiatry**". one Edition.
26. Miller, D. (1992), "**Community and Citizenship**". in A. Shloma, Communitarianism and Individualism, Oxford: Oxford University Press.
27. Miller, D.C. (1980), "**Handbook of Research Designs and Social Measurement**". (2nd eds), New York: Mckuy.
28. Monroe, J. D. (1991), "**Explaining Differences Between Rational Actors and Altruism through Cognitive Frameworks**". Journal of Politics, vol. 53, no 2.
29. Myers, D. (1988), "**Social Psychology**". New York: Harper.
30. Page, R. (1996), "**Altruism and the British Welfare State**". Aldershot: Avebury.
31. Rahnama Majid. (1999), "**Participation in the Development Dictionary**". Ed by Wolf Gang Sachs. London : Zed book Ltd.
32. Shuessler, K., and Freshnock, L. (1978), "**Measuring Attitudes Towards**

- Self and Others in Society: State of the Art"**. social Forces, no. 56.
33. Sills, David. L. (1957), "**The Volunteers**". Glenco, III. The Free Press.
34. Wuthnow, R. (1991), "**Acts of Compassion, Caring for Others and Helping Ourselves**". Princeton: Princeton University Press.
35. Zokaei, S. (1999), "**Altruism and Citizenship**". (PhD Thesis), University of Sheffield, UK.